

ایک مک یوون

حیالہا

ترجمہ میلا درکریا



- سرشناسه: مک‌یون، ایان. ۱۹۴۸ - م. McEwan, Ian
- عنوان و پدیدآور: خیالیات/ایان مک‌یون؛ ترجمه میلاد زکریا.
- مشخصات نشر: تهران، نشر نی. ۱۳۸۹.
- مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص.
- شابک: 978-964-185-137-0
- وضعیت فهرست‌نویسی: فبا
- یادداشت: عنوان اصلی: The Daydreamer, C 1994.
- موضوع: داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰م.
- شناسه افزوده: زکریا، میلاد، مترجم
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ خ ۹۷۷۲ م / PZ ۳
- رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۵۱۸۵



نشرنی

خیابان

ایان مک یوون

مترجم میلاد زکریا

چاپ اول تهران، ۱۳۸۹

تعداد ۱۶۵۰ نسخه

قیمت ۲۶۰۰ تومان

لینوگرافی غزال

چاپ غزال

ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۰ ۱۳۷ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashrenay.com

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۹
معرفی پیتز.....	۱۳
عروسک‌ها.....	۲۵
گربه.....	۴۱
کرم‌خوکننده.....	۶۱
قلدر.....	۷۳
دزد.....	۸۹
بچه.....	۱۰۷
آدم‌بزرگ.....	۱۲۵

پیش‌گفتار

پس از پایان گرفتن هر فصل خیالباف آن را با صدای بلند برای بچه‌هایم می‌خواندم. توافقی دوجانبه و ساده بود. آن‌ها جدیدترین قصه از «ماجراهای پیتر» را می‌شنیدند و من چند نظر اصلاحی به دردبخور به دست می‌آوردم. این داد و ستد خوشایند و تقریباً کلیشه‌ای، به نوبه خود روی نوشتن من تأثیر می‌گذاشت و باعث می‌شد به صدای آدم‌بزرگی که جمله‌ها را ادا می‌کرد بیش‌تر توجه کنم. این آدم‌بزرگ من نبودم، یا فقط من نبودم. وقتی در اتاق مطالعه‌ام تنها بودم، عبارات را از طرف این آدم‌بزرگ فرضی با صدای بلند برای بچه‌ای فرضی (نه دقیقاً و نه فقط بچه خودم) می‌خواندم. می‌خواستم هم به گوش خوشایند باشد و هم به زبان.

فکر می‌کردم نیازهای کودکان را به‌طور غریزی می‌دانم: مهم‌تر از همه یک داستان خوب، یک قهرمان دوست‌داشتنی، یک ضدقهرمان هم باشد ولی نه همیشه، چون خیلی ساده‌انگارانه می‌شود، وضوح در شروع، تنش

در میانه و پایانی رضایت بخش که همیشه هم پایانی خوش نیست. با آدم بزرگ، جدا از توافقی مبهم، ارتباط چندانی نداشتم. همه ما قصه شبانه را دوست داریم - نفسی که بوی خمیر دندان می دهد، چشمان باز و معتمد، کیسه آب گرم لای ملافه های تمیز - و کیست که نخواهد این نقش روی سنگ قبرش حک شود؟ اما آیا بزرگ ترها واقعاً ادبیات کودکان را دوست دارند؟ همیشه به نظرم رسیده که کمی در این شوق اغراق شده و حتی از روی ناچاری است. «پرستوها و آمازونی ها؟^۱ بئاتریس پاتر؟^۲ کتاب های مجموعه مارولس؟^۳» آیا واقعاً راست می گویم؛ آیا واقعاً از خواندن این کتاب ها لذت می بریم، یا از قول خود گم شده و تقریباً از یادرفته مان حرف می زنیم؟ آخرین باری که تنها لم دادید و قصه خانواده راینسن سوتیسی^۴ را خواندید کی بود؟

کتاب های کودکان را از آن رو دوست داریم که کودکان مان از خواندن آن ها لذت می برند، و این بیش تر به عشق مربوط است تا به ادبیات. وقتی نوشتن و بلند خواندن خیالباف را شروع کردم به ذهنم خطور کرد که شاید بهتر باشد رسم کهن ادبیات کودک را فراموش کنم و کتابی درباره یک بچه برای آدم بزرگ ها بنویسم و در آن زبانی به کار ببرم که کودکان بتوانند آن را بفهمند. در قرن همینگوی و کالوینو، نثر ساده لزوماً خواننده فرهیخته را

1. *Swallows and Amazons*

2. Beatrix Potter

3. *Marvellous books*4. *The Swiss Family Robinson*

دل‌سرد نمی‌کند. من امیدوار بودم موضوع اصلی - خودِ قوهٔ تصور - چیزی باشد که هر کس کتابی در دست می‌گیرد در آن سهمی داشته باشد. همچنین، تغییر همواره مضمون و دل‌مشغولی ادبیات بوده است. خیالباف در انگلستان و ایالات متحده به صورت مصور برای کودکان، و با قالبی جدی‌تر و مناسب بزرگ‌ترها در چند کشور دیگر منتشر شده است. زمانی رسم این بود که نویسندگان کتاب‌هایشان را به دست تقدیر می‌سپردند، همچون پدری که فرزندش را روانهٔ جهان بی‌کراشه می‌کند. «برو کتاب کوچولو...» این یکی ممکن است در نهایت زندگی آرامی در گوشهٔ کتابخانهٔ کودکان نصیبش شود، یا در اثر بی‌توجهی بمیرد، ولی در این لحظه هنوز امید دارم خواندندش تجربه‌ای لذت‌بخش باشد.

ایان مک‌یوون

۱۹۹۵